

## نگاهی به گسترش اسلام در غرب آفریقا<sup>۱</sup>

### مقدمه

دین مبین اسلام در طول تاریخ، در چندین مرحله و با توجه به مقتضیات اجتماعی - فرهنگی جوامع، از طریق مسالمت‌آمیز و یا جهاد در آفریقا نشر و گسترش یافته است. صدور اسلام به آفریقا همانند دو قاره دیگر یعنی آسیا و اروپا، به اواخر قرن هفتم میلادی برمی‌گردد. در این زمان ما شاهد گسترش سریع اسلام در کشورهای آفریقایی حاشیه دریای مدیترانه و نیز تمام مناطق شمال آفریقا هستیم. در عین حال، اعراب در صدد برآمدن تا دین‌شان را به اروپا نیز بشناسانند. از این رو آنها با استیلا بر جنوب اسپانیا، حرکت خود را به سوی شمال ادامه دادند اما در سال ۷۳۲ میلادی در منطقه پواتیه فرانسه متوقف شدند. مسلمانان که از ادامه پیشروی و توسعه دامنه فعالیت خود در اروپا بازمانده بودند، به گسترش اسلام در غرب آفریقا که در آن زمان تحت سیطره امپراطوری بزرگ سودان بود، مصمم شدند.

اسلام‌گرایی و گرویدن به اسلام در منطقه غرب آفریقا، نتیجه تماس‌ها و ارتباطات بین مغربی‌ها و امپراطوری سودان بود که بر تمام منطقه تسلط داشتند. اصطلاح

<sup>۱</sup> نویسنده آلفا عمرسی ساوانه کارشناس جغرافیای راهبردی و استاد دانشگاه

“سودان” بیشتر زمانی کاربرد دارد که خواسته باشیم از نقش آفریقای غربی در زمینه اسلام‌گرایی و ارتباط با مردم مغرب سخن بگوییم.

سودان قدیم به لحاظ جغرافیایی بین منطقه صحرا در شمال و منطقه جنگلی در جنوب آفریقا واقع شده بود. سودان قدیم بیشتر به منطقه شمال آفریقا که دارای مردمی سیاه و آب و هوایی حاره‌ای، بارانی و ساحلی بود، شباهت داشت. سودان که بافت اجتماعی واحدی داشت، ارتباطات و مناسبات انسانی در آن بسیار گسترده بود. آب مورد نیاز این منطقه هم از رودخانه‌های نیجر، سنگال و نیز دریاچه چاد تامین می‌شد.

سودان قدیم از اقیانوس اطلس تا منطقه دارفور امتداد داشت. این منطقه در حال حاضر کشورهای سنگال، گامبیا، گینه بیسائو، گینه، مالی، بوركینافاسو، نیجر، جنوب موریتانی و الجزایر، شمال ساحل عاج، غنا، بنین، توگو، نیجریه، کامرون، نیمه جنوب چاد و دارفور را شامل می‌شود.

این گزارش مباحثی همچون اسلام‌گرایی در دوران امپراطوری‌های پیش از تسلط استعمار غرب، احیای اسلام بین قرون ۱۷ و ۱۹ میلادی، حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی در منطقه سودان و در نهایت وضعیت اسلام را پس از استقلال کشورهای این منطقه از استعمارگران اروپایی در برمی‌گیرد. در پایان هم موضوع جهان شمول بودن اسلام مورد استنتاج قرار خواهد گرفت.

### اسلام پیش از قرن هفتم میلادی

اولین تماس‌ها و ارتباطات میان اعراب شمال صحرا و سیاهپوستان سودان به دوران امپراطوری غنا برمی‌گردد. منطقه ما بین رودهای سنگال و نیجر قلمرو این

امپراطوری بود. پادشاهان این امپراطوری تقریباً به مدت یکهزار سال در این منطقه حکومت کردند.

دین اسلام از قرن هفتم میلادی از طریق بازرگانان مسلمان که در مناطق شمال و جنوب صحرای آفریقا فعالیت داشتند، به مردم سودان معرفی و بتدریج در این منطقه فراگیر شد. این چنین بود که از قرن هفتم تا دهم میلادی، اسلام‌گرایی و گرویدن مردم سودان به دین مبین اسلام از طریق مسالمت‌آمیز صورت گرفت. بسیاری از سیاهپوستان که مجذوب ثروت و خردمندی بازرگانان مسلمان شده بودند، خود را وقف اجرای فرامین و فرایض اسلامی کردند هر چند که عادات مذاهب سنتی منطقه را نیز به طور کامل ترک نمودند.

از ابتدای قرن ۱۱ میلادی، تحت تاثیر سخنان یحیی بن ابراهیم و عبدا... یاسین که جنگ مقدس (جهاد) را برای اسلام‌گرایی و گرویدن قبایل بت‌پرست به اسلام توصیه می‌کردند، ابوبکر که پیروان مسلمان زیادی را دور خود گرد آورده بود، در سال ۱۰۷۷ با حمله به غنا، آن را به تصرف خود در آورد و اسلام را به منطقه معرفی و مستولی کرد.

این حمله بربرها که تحت عنوان "جنگ مقدس" صورت گرفت، گسترش مسالمت‌آمیز اسلام را متوقف کرد اما در عوض به نشر اسلام در سودان تسریع بخشید. در کمتر از یک قرن، قوم‌الموراوید از پیروان ابوبکر به سوی مناطق شمال مهاجرت و در آنجا سکنی گزیدند. الموراویدها سپس جای خود را به قوم کاتته دادند که بنیان‌گذار امپراطوری سوسو بودند. دوران کوتاه حکومت الموراویدها با ویرانی عمومی غنا، غارت و ملزم کردن ساهیپوستان به پرداخت مالیات و خراج همراه بود.

” در دین هیچ اجباری نیست. راه هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده است که گسستنش نباشد. خدا شنوا و داناست. “ (آیه شریفه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره)

” با کسانی که با شما جنگ می‌کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید زیرا خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد. “ (آیه شریفه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره)

همان طوری که پیامبر گرامی اسلام فرموده است، در جنگ در راه خدا باید تنها فداکاری را سرلوحه خود کرد و از هرگونه امیال و اغراض دنیوی همچون شهرت، میهن‌پرستی، غارت، ظلم، سلطه و غیره چشم‌پوشی نمود و زندگی نیز باید بر پایه اصولی همچون صلح عادلانه و مساوات استوار باشد. بدین ترتیب تنها جنگ در راه خدا یک جنگ توجیه‌پذیر است. در عین حال، جنگی که هدف از آن مجبور کردن انسانها برای گرویدن به اسلام از طریق زور باشد، به شدت نکوهیده شده و ممنوع است.

حکومت پادشاهی سوسوها نیز که جانشین الموراویدها شدند، ۳۵ سال بیشتر به طول نینجامید. رهبر آنها سومارو کانتته یک فرمانده جنگی ترسناک و ساحری بزرگ بود. وی که فردی بت‌پرست بود، قدرت غیرواقعی سحر و جادویش سبب ترس و تطمیع مردم شده بود. سومارو کانتته نه حکومت پادشاهی منطقه بجز حکومت پادشاهی کاندینگ را تحت سیطره خود داشت. حکومت پادشاهی ماندینگ‌ها یکی از حکومت‌های آن زمان غنا بود که حاکمان آن مسلمان شده بودند.

امپراطوری مالی در پی پیروزی سپاه سوندیانا کیتا بر سپاه کانتته پادشاه بت‌پرست سوسوها در جنگ کیرینا در سال ۱۲۳۵ میلادی پایه‌گذاری شد. سوندیانا کیتا امپراطور مالی هر چند که خود بت‌پرست بود، به اسلام اجازه نشر داد. پس از مرگ وی در سال ۱۲۵۵، یک امپراطوری وسیع و پیشرفته از او بجای ماند. اما جانشینان سوندیانا کیتا به

اسلام گرویدند. آنها با ادامه کشورگشایی، امپراطور مالی را به سوی شرق و غرب گسترش دادند. در سال ۱۳۱۲ میلادی، کانکو موسی برادرزاده سوندیاتا کیتا پادشاه ماندینگ شد. وی در سال ۱۳۲۵ با سفر تاریخی به مکه که به منظور زیارت خانه خدا صورت گرفت، امپراطوری مالی را به خارج از آفریقا معرفی کرد.

در سال‌های بعد، روابط امپراطوری مالی با مغرب و مصر، ضمن رونق بخشیدن به تجارت منطقه، سبب توسعه و پیشرفت شهرهای مهمی همچون جینه، گائو، تومبوکتو و نیانی و در عین حال ساخت مساجد بزرگی در این شهرها شد.

در این میان، دیالاس‌ها یا همان بازرگانان مهمترین عامل ارتباطات و مناسبات بودند. آنها با مسافرت به مناطق جنوب که مناطقی جنگلی بود، با خود طلا و کولا می‌آوردند. این بازرگانان در عین حال، به بازارهای کشورهای هوسا و سنگال نیز رفت و آمد داشتند و این گونه بود که به بزرگترین مبلغان و ناشران اسلام در سودان مبدل شدند.

### نتایج سفر پادشاه ماندینگ به مکه

زیارت کنندگان ماندینگی موفق شدند با اسلام در محل ظهور و خاستگاهش، آشنا شوند. آنها در بازگشت از مکه، برای احیای اسلام ناب و اجرای فرامین و فرائض آن که کم و بیش در منطقه کم‌رنگ شده بود، تلاش کردند. دو تن از اعضای خاندان قریش نیز با سکنی گزیدن در نزد پادشاه، خود را وقف احیا و گسترش اصول و ارزش‌های اسلامی کردند. اعراب و بخصوص مغربی‌ها که از مشاهده مواهب و ثروت‌های افسانه‌ای در مالی متحیر مانده بودند، به سرعت به منطقه مهاجرت کردند. سفید پوستان خیلی زود

در نیانی پایتخت امپراطوری مالی، منطقه‌ای اختصاصی برای خود تشکیل دادند و بسیاری هم با شاهزادگان ماندینگ ازدواج کردند.

در دوران امپراطوری مالی، حضور علما، فضلا و زاهدان در دربار پادشاه چشمگیر بود. در میان آنها، قضاتی هم بودند که براساس دستورات قرآن کریم حکم می‌کردند. همچنین پنج طائفه درباری بودند که وظیفه آموزش و نشر احکام اسلامی را به عهده داشتند. این طائفه‌ها عبارت بودند از: سسیه‌ها، توره‌ها، دیانه‌ها، بیرته‌ها و سانوها.

به صراحت می‌توان گفت که اسلام در قرن ۱۴ میلادی به دین رسمی در سرتاسر سرزمین وسیع سودان بدل شد.

پس از اضمحلال امپراطوری مالی، شخص مسلمانی بنام سنی علی (علی بر یاعلی بزرگ) امپراطوری سونگایی را در مالی بنیان نهاد که این خود سبب تقویت بیش از پیش اسلام گردید. امپراطوری سونگایی در زمان حکومت آسکیا محمد توره در اوج قدرت و شوکت بود. آسکیا محمد توره که مسلمان پرشوری بود، در سال ۱۴۹۷ به زیارت خانه خدا رفت و پس از بازگشت، خلیفه سودان لقب گرفت. سلطان مغرب در سال ۱۵۹۱ میلادی با تصرف شهر گائو پایتخت سونگایی و نیز شهر تومبوکتو موجبات سقوط امپراطوری سونگایی را فراهم کرد. بدین ترتیب آخرین امپراطوری از چهار امپراطوری بزرگ سودان بدون آن که مشکل خاصی برای اسلام‌گرایی و گرویدن مردم منطقه به اسلام بوجود آید، سقوط کرد.

البته پیشتر، در یکی از مناطق سودان یعنی در اطراف دریاچه چاد، امپراطوری دیگری بنام امپراطوری بزرگ کینیم بورنو پیش از امپراطوری مالی وجود داشت. یکی از پادشاهان این امپراطوری بنام دونامای اول (۱۱۵۰-۱۰۹۷ میلادی)، به زیارت خانه خدا رفت. امپراطوری کینیم بورنو پس از تصاحب دوباره قدرت در قرن ۱۵ میلادی به کمک

علی قاجیدنی، در زمان پادشاهی ادریس سوم آلوما ( ۱۶۱۷- ۱۵۸۰ ) که وی نیز به زیارت خانه خدا مشرف شده بود، به اوج عظمت و شوکت رسید. وی پس از بازگشت از مکه، منطقه سودان مرکزی و کشور هوسا را به تصرف خود در آورد.

به جرات می‌توان گفت که پیش از نفوذ استعمار به سودان، دین اسلام کاملاً در منطقه فراگیر شده و جایگاه خود را پیدا کرده بود و به همین دلیل است که نفوذ استعمار که در ابتدا با معرفی مسیحیت آغاز شد، همچون یک آسیب و زیان برای زندگی مسلمانان سودانی به حساب می‌آمد. این امر در مبارزه شدید رهبران دینی با نفوذ مسیحیت به سودان کاملاً مشهود است.

### احیای اسلام (قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی)

در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، اسلام دین رسمی بسیاری از حکومت‌ها و اصول اعتقادی مردم در سرزمین وسیع سودان مبدل شد که از آن جمله می‌توان به ساکنان مناطق وادائی و بانگیری در قرن ۱۷ و شمار زیادی از پل‌ها اشاره کرد. مهاجرت اقدامی همچون توآرگها، مورها و پل‌ها و تردد بی‌وقفه بازرگانان بین شمال و جنوب صحرای آفریقا، به نشر اسلام در سودان کمک کرد.

در بیشتر موارد تشریف مردم به اسلام تدریجی و مسالمت‌آمیز بود: اسلام دین بازرگانان ثروتمند و دانشمندان از جذابیت و اعتبار خاصی برخوردار بود. گاهی اوقات هم جهاد تنها راه باقی مانده برای اسلام‌گرایی بود همانند آنچه که پل‌ها در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی انجام دادند. در عین حال باید خاطر نشان کرد گروه‌هایی نیز همچون موسی‌ها و بامباراها با حفظ وفاداری نسبت به ادیان سنتی خود، در برابر گسترش اسلام مقاومت کردند. باید اذعان کرد که احیای اسلام تا حدودی زیادی مدیون بیداری پل‌ها و تشریف

آنها به دین اسلام بود. آنها که تا چندی پیش دشمن مسلمانان بودند با گرویدن به اسلام، به مدافعان پرشور این مکتب متعالی بدل شدند.

### منطقه لوفوتا جالون

پل‌ها که از قرن ۱۵ میلادی در کنار بومیانی همچون جالونکه، با گاس و لاندوماس در منطقه فوتاجالون سکنی گزیده بودند، انسان‌هایی بت‌پرست بودند. در قرن ۱۷ میلادی، گروه‌هایی از پل‌ها که مسلمان شده بودند با مهاجرت از مناطق فوتاتورو و ماسینا به منطقه فوتاجالون آمدند. آنها پس از مدتی قیام بزرگی را که به نبرد تالانسان معروف شد، سازماندهی کردند. در این نبرد که حدود سال ۱۷۳۰ میلادی روی داد، مسلمانان با تهیه سلاح‌های آتشین از سیرالئون، در مبارزه‌ای سخت، آخرین گروه‌های بت‌پرست را از پای در آوردند.

مسلمانان پیروز سپس به منظور انتخاب رهبر دینی، پایتخت و اعلام اسلام به عنوان دین رسمی فوتاجالون، در منطقه فوگومبا (گینه) گردهم آمدند. بدن ترتیب کانون بزرگ فرهنگ اسلامی در غرب آفریقا بنیان نهاده شد و اسلام به سرعت در جامه پل‌ها گسترش یافت.

### منطقه فوتاتورو

توکولورها که مردمی مسلمان بودند، در سال ۱۷۷۶ میلادی با تشکیل گروه‌های مبارزی موسوم به تورودس، حکومت دینیانکه‌های بت‌پرست را سرنگون و اسلام را به عنوان دین رسمی منطقه فوتاتورو اعلام کردند. از این تاریخ، حکومت این منطقه نیز همانند منطقه فوتاجالون به شیوه الامامیه اداره می‌شد.



### خلافت سوکوتو

عثمان دان فودیو که از توکولورها بود، در سال ۱۸۰۴ با اعلام جنگ مقدس (جهاد) در سوکوتو، حکومت مقتدری را در کشور هوسا بنیان نهاد. وی که مسلمانی پرشور بود، با متهم کردن حکومت گوئیر به ظلم و ستم علیه مردم هوسا، اعلام جهاد کرد. عثمان پس از پیروزی بر هوسایی‌های کار، خود را خلیفه (فرمانروای مومنان) نامید. پل‌ها در سال ۱۸۰۸ سوکوتو را به عنوان مرکز خلافت انتخاب کردند.

### حکومت ماسینا

عثمان دان فودیو در سال ۱۸۱۰ به یکی از زاهدان ماسینا به نام احمدو که انسانی عالم و به دشمنی با کفار معروف بود، لقب شیخ را اعطا کرد. شیخ احمدو اندکی بعد، با اعلام جهاد، بر کفار بامبارا پیروز شد. وی سپس حکومت روحانیون پل را در ماسینا تاسیس کرد. شیخ احمدو در واقع رهبری یک حکومت را که شورای بزرگی متشکل از علما و فضلالی اسلامی بود، رهبری می‌کرد. قانون و تعلیم و تربیت در حکومت ماسینا بر اصول و تعالیم قرآن کریم مبتنی بود. در این دوران، امور جامعه تحت نظارت شدید بود و می‌بایست براساس اصول اسلامی اداره می‌شد.

### امپراطوری توکولور

امپراطوری الحاج عمر طال حکومت روحانیون مسلمان بود که شخص شیخ در راس آن قرار داشت و توسط شورای بزرگی مرکب از علمای مسلمان و فرماندهان نظامی اداره می‌شد. الحاج عمر (۱۷۹۶-۱۸۶۴)، خود انسانی زاهد و از قوم توکولور بود که در

دینگیری (گینه) زندگی می‌کردند. وی که از اعضای جامعه تیجانی بود، با اعلام جهاد در سال ۱۸۵۳ میلادی، بخش عظیمی از امپراطوری ماسینا را که شامل کارتا، کاسو و سیگو می‌شد، به تصرف خود در آورد. امپراطوری توکولور که در پی اسلام‌گرایی تیجانی با توسل به زور بود، در سال ۱۸۶۲ امپراطوری ماسینا را کاملاً ساقط کرد.

آنچه که تاکنون گفته شد، نگاهی اجمالی بود به وضعیت اسلام در سودان پیش از دوران استعمار اروپایی‌ها به عبارت دیگر یک نظام کارآمد حکومتی که اسلام دین رسمی آن بود هر چند که در این میان، برخی از فرمانروایان محلی به دین آبا و اجدادی خود یعنی بت‌پرستی وفادار ماندند. به همین دلیل بود که مبارزه با نفوذ و سیطره استعمار غرب نه تنها برای نجات دولت‌ها بلکه برای حفظ اسلام به عنوان دین بخش عظیمی از مردم سودان، اهمیتی خاص به خود گرفت.

امپراطوران دیگری هم از جمله احمدو دوسگو و الامامیه ساموری توره به مبارزانی بزرگ در مقابله با نفوذ استعمار غرب مبدل شدند. آنها به نام اسلام با اروپایی‌ها که در صدد اشاعه مسیحیت بودند، مبارزه می‌کردند.

در منطقه اطراف دریاچه چاد واقع در شرق سودان هم یک امپراطوری اسلامی بنام کانیم - بورنو وجود داشت. این منطقه به عنوان چهار راه تجارت به حساب می‌آمد. امپراطوری کانیم - بورنو که با امپراطوری غنا هم دوره بود، تا قرن ۱۴ میلادی ادامه داشت. این امپراطوری که در قرن ۱۲ میلادی به اسلام گروید، در قرن ۱۳ میلادی با گسترش تا منطقه اودائی در شرق و منطقه مورزوک در غرب، به اوج عظمت و شکوه خود رسید. ادريس سوم آخرین امپراطور از امپراطوران کانیم - بورنو مساجد و مدارس علوم قرآنی فراوانی ساخت و علما و دانشمندان را به دربار خود دعوت می‌کرد.

## ۳- اسلام سیاهان

همان طوری که در مباحث آینده خواهیم دید، اسلام نه رنگ خاص را می‌شناسد و نه به کشور و طبقه خاصی اختصاص دارد. از لحاظ منطقی، اسلام سیاه، سفید، سرخ، زرد، عربی، آفریقایی، اروپایی و غیره وجود ندارد.

اسلام یک دین واحد و در عین حال جهان شمول است. همه انسان‌ها جدای از نژاد، کشور، رنگ پوست و ملیت‌شان می‌توانند با پذیرفتن اصول اساسی اسلام، از اعضای امت اسلامی باشند. اسلام یک دین توحیدی است. اصول دین در اسلام عبارتند از:

- اعتقاد به خدای یگانه، خالق جهان، زاده نشده، فرشتگان دستیاران او هستند، اعتقاد به معاد، رستاخیز و روز قیامت.
- واجبات دینی که به ارکان پنج‌گانه معروف هستند، عبارتند از:
  ۱. اظهار علنی اعتقاد به اسلام (گفتن شهادتین)، یک انسان با گفتن جمله اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله مسلمان می‌شود.
  ۲. نمازهای پنج‌گانه که باید پس از گرفتن وضو، پنج‌بار در روز خوانده شود.
  ۳. زکات (خراج برای مساوات)، یک نوع مالیات است که باید از روی محصول برداشت شده و یا سود حاصل از کار و تجارت، هر ساله به صندوق خیریه پرداخت و صرف امور مسلمانان شود.
  ۴. روزه، هر روز در ماه مبارک رمضان از هنگام سحر تا زمان غروب آفتاب، باید از خوردن و آشامیدن پرهیز کرد. گرسنگی و تشنگی مشقت زندگی فقرا را به اغنیا می‌چشاند.

۵. حج یعنی همان زیارت خانه خدا در صورت استطاعت مالی شخص مسلمان، یکبار در طول حیات واجب است.

در صورت عدم اشاره صریح قرآن کریم به یک قانون خاص و یا عدم توانایی مسلمانان به استخراج یک قاعده و قانون در زمینه‌ای خاص از قرآن کریم، مسلمانان از فرمایشات پیامبر گرامی اسلام (ص) که به حدیث معروف است، استفاده می‌کنند. به مجموع احادیث سنت گفته می‌شود که در اسلام پس از قرآن کریم، در خصوص مراجعه به آن به منظور دریافت اصول و قواعد زندگی توصیه اکید شده است. مراجعه مسلمانان به احادیث سبب ایجاد علمی معروف به علم حدیث شده است. البته نظرات فقها نیز به عنوان دیگر منابع مراجعه به قرآن و سنت اضافه شده است.

اجرای فرامین و فرایض اسلامی که در واقع عمل به اصول توحیدی اسلام است نباید دچار تغییر، تحریف و زمان‌زدگی شود. هیچ جامعه‌ای، چه سیاه، سفید، سرخ و یا زرد اجازه اجرای قوانین و فرائض اسلامی را به گونه‌ای که متأثر از اصول و عقاید ادیان آبا و اجدادی‌شان و مطابق با مقتضیات زمان باشد، ندارد. به عبارت دیگر، اسلام سیاهان نمی‌تواند به عنوان مسیر حرکت باشد. هر چند که سعی شده این چنین القا شود که اسلام به عنوان دین آبا و اجدادی به مردم بت پرست آفریقا قبولانده و یا تحمیل شده است. در عین حال، با وجود گرویدن دوباره مردم آفریقا به اسلام، برخی از اعتقادات بت‌پرستی همچنان به قوت خود باقی مانده است. چنین چیزی شاید از عدم آموزش نظام‌مند و در نتیجه عدم استیلای کامل اصول توحیدی اسلام در منطقه ناشی شده باشد. زبان عربی که زبان قرآن کریم است، زبان مادری بسیاری از مسلمانان آفریقایی نیست. امپراطوران سودان که از قرن ۱۳ میلادی سفر به حج و زیارت خانه خدا را آغاز کردند، در بازگشت از

مکه، با خود مشاوران عرب را به منظور خالص و پاک کردن اسلام از عقاید و اعمال بت‌پرستی که دین آبا و اجدادی مردم آفریقا بود، به همراه آوردند.

امروزه تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از تمامی ابزارهای پیشرفته ارتباطات، مطمئن‌ترین و بهترین روش برای زدودن آثار بت‌پرستی از چهره برخی قواعد و فرائض اسلامی است. از این رو، کشورهای ثروتمند و بسیار پیشرفته آسیایی و شمال آفریقا باید برای تحقق این مهم، نقش اساسی ایفا کنند.

پس از استقلال کشورهای منطقه وسیع سودان از سلطه استعمارگران غربی، دولت‌های آفریقایی از دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی، بیش از پیش به نشر و گسترش اسلام کمک کردند. مدرسه علوم قرآنی در تمامی کشورهای منطقه ساخته شد و جوانان پس از اتمام تحصیلات، توانستند با گرفتن بورس، تحصیلات عالی خود را در کشورهای شمال آفریقا، حاشیه خلیج فارس و دیگر کشورهای عربی ادامه دهند.

همچنین فراهم کردن امکانات لازم برای زیارت خانه خدا، جزو وظایف دولت‌ها شد. سازماندهی سفر به مکه توسط دولت در کشورهای آفریقایی سبب شد تا بسیاری از مسلمانان بدون مشکل خاصی، امکان زیارت خانه خدا برایشان فراهم شود.

تشکیل چارچوبی کارآمد و نظام‌مند برای تعلیم و تربیت اسلامی، ساخت مدرسه‌های علوم قرآنی و تسهیلات دولتی در زمینه سفر به مکه از نتایج گسترش اسلام در سودان پس از استقلال بود.

۱. متنوع کردن قوانین و فرائض اسلامی: روحانیون و امامان مساجدی که

مدارس اسلامی کشورهای مختلف تحصیل کرده‌اند، قوانین و فرائض متنوع

و مختلفی را که مربوط به مذاهب تشیع، تسنن، وهابی<sup>۱</sup> و غیره است، تبلیغ می‌کنند.

۲. سیاسی کردن اسلام: بسیاری از دولت‌ها در منطقه سودان، از طریق تاسیس نهادهای وابسته، هدایت اسلام را در کشورهاشان به عهده گرفته‌اند. از این رو، روسای مدارس اسلامی، روحانیون و امامان مساجد در برخی از کشورها توسط حکومت مرکزی منصوب می‌شوند. در برخی دیگر از کشورها هم دولت‌ها، رهبران و امامان مساجد را ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی خود قرار می‌دهند: بسیج کردن گروه‌های مسلمان برای حمایت از نامزدهای مسلمان در انتخاب مختلف (مجلس، ریاست جمهوری و غیره).

۳. اقدام کشورهای ثالث برای احیای اسلام و مستحکم کردن پایه‌های آن و نیز هدایت مجدد آن از طریق میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری در احداث تاسیسات زیربنایی در کشورهای اسلامی، اعطای بورس تحصیلی به جوانان، روحانیون، سفر مکه و غیره. این کشورها سعی دارند تا بدین ترتیب دیدگاه و درک خاص خود را از اسلام تحمیل کنند.

رهبران سیاسی، احیای اسلام را مترادف با " مبارزه در راه خدا " نمی‌دانند. به عبارت دیگر، باید زندگی را بر پایه اصولی همچون صلح عادلانه، مساوات و پیشرفت برای همه استوار ساخت، این همان چیزی است که حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: هر کس که نشان حیات در خود دارد، باید از حق استفاده از ابزار وجودی آن برخوردار باشد. عدالت

<sup>۱</sup> وهابی و وهابیت جزو هیچ یک از مذاهب اسلامی و دینی نیست یک مسلک انحرافی حشن و افراطی است که توسط فرقه‌ای در عربستان سعودی رشد و نمو پیدا کرده است. ( سردبیر )

اجتماعی در زمینه توسعه و پیشرفت به معنی آن است که همه طبقات اجتماعی باید توانایی برخورداری از ضروریات زندگی را داشته باشند.

” این شریعت شماسست، شریعتی یگانه. و من پروردگار شما هستم، مرا بپرستید. و در دین خویش فرقه فرقه شدند. همه به نزد ما باز می‌گردند. “ ( آیات شریفه ۹۲ و ۹۳ سوره مبارکه انبیا )

### جهانی بودن اسلام

قرآن کریم کتابی است که خداوند متعال از طریق آن دین خود را به طور تمام و کمال بر انسان‌ها عرضه کرد. این مهم در قرآن کریم به خوبی تصریح شده است. ” امروز من دین شما را برای شما تمام و برکت‌م را بر شما کامل کردم. و من اسلام را به عنوان دین شما برگزیدم. “

همه انسان‌ها جدای از نژاد، کشور، رنگ پوست و ملیتشان می‌توانند با پذیرفتن اصول اساسی اسلام، از اعضای امت اسلامی ( جامعه بزرگ مسلمانان و جزو برادران مسلمان باشند. قلمرو وظایف و مسئولیت‌های اسلامی به هیچ سرزمین خاصی تعلق ندارد. این امری جهانی است و هیچ‌گونه مرز قراردادی نباید به سدی در برابر تبلیغ و نشر افکار آزادیخواهانه اسلامی و وحدت مسلمان مبدل شود.

دین اسلام برای مردم خاصی نیست. این یک ساختار جهان شمول است. از نظر یک مسلمان هر مکانی قلمرو و محضر خداست و همه مخلوق او هستند. اسلام قلمرو ویژه ملت خاصی نیست و برای هدایت جامعه خاصی نیز تنظیم و تدوین نشده است. اسلام می‌خواهد که همه انسان‌ها از تعالیم سعادت‌بخش بهره‌مند شوند. قرآن کریم

چراغ هدایت همه انسان‌هاست و پیامبر گرامی اسلام را برکت برای همه جهانیان معرفی کرده است.

”این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست. پرهیزکاران را رهنماست. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز می‌گذارند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه بر تو و پیامبران پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند.

ای مردم، پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را بیافریده است، بپرستید. باشد که پرهیزکار شوید.

آن خداوندی که زمین را چون فرشی بگسترده و آسمان را چون بنایی بیفراشت و از آسمان آبی فرستاد و بدان آب برای روزی شما از زمین هرگونه ثمره‌ای بپروراند و خود می‌داند که نباید برای خدا همتیانی قرار دهید.“ ( آیات شریفه ۲۲، ۲۱، ۴، ۳، ۲ سوره مبارکه بقره )

با توجه به آیات شریفه قرآن کریم به روشنی می‌توان دریافت که همه انسان‌ها بدون استثنا می‌توانند از برکت اصول و تعالیم اسلامی بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - این گزارش توسط آقایان حمیدرضا قربانی و حسن سرابی در سفارت جمهوری اسلامی ایران - گنیه کوناکری ترجمه گردید است که بدینوسیله از آنها تشکر می‌گردد. (سردبیر)